



چند پیشنهاد سیاستی در حوزه زبان فارسی

فارسی زبان ملی و رسمی ایران و از مهم‌ترین عناصر فرهنگی زندگی ایرانیان است. زبان و خط فارسی در عصر جدید با چند مسئله عمده روبروست. رواج نیافتن بسیاری از واژه‌های نوساخته، پراکندگی رسم‌الخط، دشواری‌های مربوط به گسترش زبان فارسی در جهان، و افت مهارت‌های نگارشی ایرانیان - به‌ویژه نسل جوان - از مهم‌ترین مسائل زبان فارسی امروز است. برای برطرف ساختن این مشکلات، چاره‌هایی اندیشیده شده است که از جمله آن‌ها تأسیس نهادهایی همچون «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و «بنیاد سعدی» و فعالیت‌های تصمیم‌گیرندگان و پژوهندگان این نهادها است. گرچه چاره‌اندیشی‌ها تا حدودی موجب رفع بعضی مشکلات شده است، اما پاره‌ای ضعف‌ها و کاستی‌ها همچنان برجاست. سیاست‌گذاری کمک می‌کند کارهای صورت‌گرفته ارزیابی شود، ضعف‌ها و مشکلات شناسایی و راهکارهای تازه و کارآمد برای برطرف ساختن آن‌ها به سیاست‌گذاران عرضه شود. در این مقاله، چند راهکار سیاستی کلی و ساده اما کلیدی برای بعضی از مشکلات زبان فارسی در حوزه واژه‌گزینی، گسترش زبان فارسی، مهارت‌های نگارشی و دستور خط فارسی عرضه شده است.

∴

. , .

. .

مقدمه

بنابر بعضی تحقیقات زبان‌شناختی، فارسی از زبان‌های هند و اروپایی منشعب شده است. اقوام هند و اروپایی احتمالاً حدود پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح در قسمتی از جنوب روسیه می‌زیستند و گروهی از آنان در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد سرزمینی را که بعدها ایران خوانده شد، به تصرف درآوردند. بنا به گفته فردوسی در شاهنامه، آنان در شرق ایران حکومت پیشدادیان و سپس کیانیان را برپا کردند (برای آگاهی بیشتر رک: ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۱۷). زبان‌شناسان در بحث از تحول زبان‌های ایرانی، از قدیم‌ترین زمان‌ها تا کنون، از سه دوره باستان (از قدیم‌ترین ایام تا پایان عصر هخامنشیان)، میانه (دوره اشکانیان و ساسانیان) و جدید (از عصر اسلامی تا امروز) سخن می‌گویند. در طول تاریخ ایران، غالباً یک زبان درباری و اداری در کنار گویش‌های متعدد متداول بوده که حکم زبان رسمی و ملی را داشته است. پس از

برافتادن شاهنشاهی ساسانی، زبان درباری و اداری به تدریج به عربی بدل شد، اما این زبان صرفاً میان درباریان و دیوانیان و دانشمندان و ادیبان رواج داشت و مردم عادی با آن بیگانه بودند. از نیمه قرن سوم هجری قمری به بعد، گروهی از دولت‌های ایرانی به زبان فارسی توجه کردند. یعقوب لیث صفاری در ۲۵۴ ق در سیستان دولت صفاریان را تأسیس کرد و فارسی دری را که ادامه یکی از زبان‌های فارسی میانه بود، زبان رسمی دربار خویش خواند. سامانیان سیاست ترویج زبان فارسی در پیش گرفتند. در این دوره، داستان‌های ملی و کهن ایران گردآوری شد - که نمونه عالی آن‌ها شاهنامه فردوسی است - و کتاب‌های دیگری به فارسی تألیف و نیز تعدادی از کتب مهم تازی به فارسی ترجمه شد. سیاست ترویج زبان فارسی پس از عصر سامانیان نیز ادامه یافت. غزنویان و سلجوقیان با اینکه ترک‌نژاد بودند، به زبان فارسی اهمیت دادند. ابوالعباس اسفراینی، وزیر سلطان محمود غزنوی، زبان مکاتبات دیوانی را از عربی به فارسی بازگرداند و هرچند اندکی بعد، در دوره وزارت احمد بن حسن میمندی دوباره به عربی تغییر یافت، اما سلطه زبان عربی بر دربارهای ایران دیری نپایید. کشورگشایی‌های سلطان محمود و گسترش قلمرو غزنویان موجب شد زبان فارسی به هندوستان راه یابد و تا قرن‌ها دوام داشته باشد. هرچند در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، همچنان کتب علمی و ادبی، به اقتضای زمان به عربی نگاشته می‌شد، اما با توجه به درخواست عمومی مردم، دانشمندی همچون ابن سینا و ابوریحان بیرونی در کنار متونی که به عربی تألیف می‌کردند، آثاری به فارسی نیز نوشته‌اند. در عصر پادشاهی سلجوقیان، فارسی در بخش‌های وسیعی از آسیا رواج یافت و تا چندین سده در آسیای صغیر زبان رسمی بود. در دوره سلطنت سلجوقیان و خوارزمشاهیان، استفاده از زبان عربی در دربارها و دستگاه‌های اداری از رونق افتاد. در دوره عثمانیان که در ۶۹۹ ق بر آسیای صغیر مسلط شدند، زبان فارسی اهمیت داشت. گسترش قلمرو دولت عثمانی تا بخش‌هایی از اروپا و آفریقا موجب رواج زبان فارسی در سرزمین‌های وسیع‌تری از دنیای آن روز گشت. در روزگار سلطنت صفویه، افشاریه، زندیه و قاجار هرچند غالباً فارسی زبان رسمی دربار بود، اما به گسترش آن توجهی نشد (برای آگاهی بیشتر رک: خانلری، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۱۴ و ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۷).

در عصر حاضر، فارسی زبان رسمی کشورهای ایران، تاجیکستان و افغانستان است و در بعضی کشورها مثل ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، بحرین، هند، پاکستان و عراق نیز سخن‌گویی دارد. در دوران معاصر، بعضی دولت‌های حاکم به زبان فارسی توجه کردند و برای حفظ و تقویت آن کارهایی انجام شد که از جمله آن‌ها می‌توان به تأسیس فرهنگستان اول در ۱۳۱۴ ش، فرهنگستان دوم در ۱۳۴۷ ش، فرهنگستان سوم در سال‌های پس از انقلاب در ۱۳۶۸ ش و تأسیس بنیاد سعدی در ۱۳۸۹ اشاره کرد.

بحث درباره مشکلات زبان فارسی و عرضه راهکارهایی برای برطرف ساختن آن‌ها در گذشته چندان جایی نداشت، اما تحولات عصر مدرن موجب گشت چنین مسائلی مطرح شود: تغییر خط، وحدت رسم الخط، نفوذ زبان‌های بیگانه در فارسی، خط فارسی و رایانه، خط فارسی و فضای مجازی، زبان فارسی و رسانه‌ها، زبان فارسی و علم، نابسامانی وضعیت ترجمه به فارسی، مشکلات حوزه آموزش زبان فارسی، ضعف مهارت‌های نگارشی فارسی‌نویسان و

سیاست‌گذاری تاریخی به قدمت زندگی مدنی دارد، اما از منظر علمی، مقوله جدیدی در تاریخ علم است که از عمر آن

بیش از نیم قرن نمی‌گذرد. سیاست‌گذاری دانشی میان‌رشته‌ای است؛ یعنی ترکیبی است از معلومات رشته‌های مختلف علمی که ذیل موضوع جدیدی سازماندهی شده‌اند و از علم و مهارت حاصل از آن‌ها برای حل مسائلی کمک گرفته می‌شود که موضوع هیچ یک از دانش‌های تشکیل‌دهندهٔ سیاست‌گذاری نیست. سیاست‌گذاری از دانش اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی، فلسفه، ژئوپلیتیک و بعضی از علوم فنی و مهندسی به اقتضای موضوع مطالبی برمی‌گیرد و با مسئله‌شناسی و روش‌شناسی خاص خود و بررسی تجربیات عملی، تحلیل‌ها و توصیه‌های سیاست‌گذارانه عرضه می‌کند (رک: ملکی، ۱۳۹۳، ۱۵). علوم سیاست‌گذاری به مطالعهٔ سیاست و عملکرد دولت در زمینه‌های گوناگون می‌پردازد. سیاست‌گذاری رویکردی عقلانی و کاربردی به مسائل دارد و کمک می‌کند بشر تسلط بیشتری بر زندگی اجتماعی خویش داشته باشد. یکی از وظایف مهم پژوهشگر علوم سیاست‌گذاری این است که، با نگاهی عینی و به یاری خرد تحلیلی، دربارهٔ مسائل جامعه به سیاستمداران راه‌حل‌ها و توصیه‌هایی کاربردی عرضه کند (رک: اشتریان، ۱۳۷۶: ۱۶۲).

زبان و خط فارسی یکی از عناصر فرهنگی حاکم بر زندگی فارسی‌زبانان و از جمله ایرانیان است. بسیاری از نوشته‌های ما - اعم از ادبی، علمی، فلسفی، اجتماعی و...- از طریق این زبان عرضه می‌شود و بیشتر مطالب روزمرهٔ خود را با استفاده از آن رد و بدل می‌کنیم. مطالعهٔ تاریخ نشان می‌دهد که، علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار، ایرانیان هرگز تسلیم تغییر فارسی به زبان‌های بیگانه نشدند؛ حتی هنگامی که علم نوین از اروپا به ایران راه یافت - گرچه در بسیاری کشورهای جهان سوم زبان علم از زبان ملی متمایز شد - اما در ایران این اتفاق نیفتاد و برای بیان مفاهیم علمی از زبان فارسی استفاده شد. امروز نیز باینکه گروهی از دانشمندان و پژوهشگران فارسی‌زبان پژوهش‌ها و دستاوردهای علمی خویش را به زبان‌های بیگانه - به‌ویژه انگلیسی - عرضه می‌کنند، اما همچنان شمار بالایی از کتاب‌ها و مقالات علمی داخل به فارسی نوشته و منتشر می‌شود و زبان آموزش علوم در دانشگاه‌ها فارسی است. فارسی هم زبان ملی و علمی ماست، هم یکی از پایه‌های اصلی هویت ایرانی و از موجبات وحدت ملی ایرانیان از گذشته‌های دور تاکنون است. از این‌رو، میان توسعهٔ ایران و توسعه و تقویت زبان فارسی پیوندی نزدیک برقرار است و سیاست‌گذاری در حوزهٔ زبان فارسی با هدف تقویت کردن و توانمند ساختن این زبان در روزگار معاصر امری بایسته و ضروری است.

هرچند نمی‌توان گروه یا قشر خاصی را متولی و نگاهبان زبان فارسی دانست و این وظیفه متعلق به گروه وسیعی از فارسی‌گویان و فارسی‌نویسان است، اما به‌یقین نهادهای سیاست‌گذار و نهادهای فعال در حوزهٔ زبان فارسی، نویسندگان، شاعران، مترجمان، دانشمندان، زبان‌شناسان، معلمان و رسانه‌ها نقش بزرگی در نگاهبانی از این زبان و تقویت آن دارند. به‌علاوه، حاکمان و سیاستمداران با وضع قوانین و احکام، و اجرا کردن و به جریان انداختن آن‌ها، نقش کلیدی در این زمینه دارند.

در این نوشته، ابتدا پاره‌ای از سیاست‌های اجرا شده در حوزهٔ زبان فارسی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی را فهرست‌وار بیان می‌کنیم، سپس بعضی مشکلات کنونی مربوط به زبان فارسی را می‌نویسیم و سرانجام چند راهکار سیاستی برای برطرف ساختن این مشکلات پیشنهاد می‌کنیم. بی‌گمان، به این راهکارها می‌توان موارد بسیار دیگری را نیز اضافه کرد اما به نظر می‌رسد اجرای مواردی که ذکر خواهد شد، جزو اولویت‌ها است.

الف) مروری بر اقدام‌ها و اشاره به مشکلات و کاستی‌ها

زبان‌دانان، زبان‌شناسان و صاحب‌نظران معاصر بارها تذکر داده‌اند که زبان فارسی در معرض خطر است. دربارهٔ چیستی این خطر، نظریات مختلفی طرح شده که از میان آن‌ها در باب مواردی از این دست بیشتر بحث شده است: ورود الفاظ بیگانه غیر ضروری به زبان فارسی، ترجمه‌های بد و مفهوم گشتن آن‌ها برای مردم، وارد شدن افراد کم‌مایه و افراطی در کار زبان، سیطرهٔ مآثر قدیم در ادبیات فارسی، فارسی‌ندانی مردم علی‌رغم تصور فارسی‌دانی، سهل‌انگاری در آموزش زبان فارسی، ناآشنایی نویسندگان با قواعد و اصول زبان، رواج گرتنه‌برداری، بی‌توجهی مدارس و دانشگاه‌ها به فارسی معاصر، بی‌رغبتی دانشجویان با استعداد به دانشکده‌های زبان و ادبیات فارسی، فقر کتاب‌های درسی در حوزهٔ آیین نگارش، فقر استادان دارای صلاحیت برای تدریس درس نگارش، فراوانی اشکالات زبانی در رسانه‌ها (رک: داوری اردکانی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴).

این تصور که زبان و خط فارسی در معرض خطر است، موجب اندیشیدن چاره‌ها، گرفتن تصمیم‌ها و انجام دادن کارهایی برای حفظ و تقویت زبان و خط فارسی شده است. از جمله اقدام‌های مهم سیاستی برای حمایت از زبان فارسی است:

۱- در حوزهٔ واژه‌گزینی و یکپارچه کردن دستور خط:

تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فعالیت‌های دو گروه واژه‌گزینی و دستور زبان فارسی و رسم‌الخط؛

تصویب قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه؛

۲- در حوزهٔ گسترش زبان فارسی:

تأسیس بنیادها و مراکزی برای سامان دادن به فعالیت‌های حوزهٔ آموزش زبان فارسی (مثل شورای گسترش زبان فارسی و بنیاد سعدی)؛

راه‌اندازی معاونت گسترش زبان فارسی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و اعزام استادان به خارج از ایران با هدف آموزش زبان فارسی؛

راه‌اندازی مراکز و مؤسسات آموزش زبان فارسی (مثل مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا، مرکز آموزش زبان فارسی در دانشگاه

بین‌المللی امام خمینی، دانشگاه فردوسی مشهد و...):

تعریف رشته دانشگاهی آموزش زبان فارسی به غیر زبانان؛

مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در باب لزوم تدریس به زبان فارسی در کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور؛

۳- در حوزه آموزش مهارت‌های نگارشی:

تعریف رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه؛

تعریف گرایش نگارش و ویرایش در دانشگاه؛

تدریس درس‌های زیرمجموعه زبان و ادبیات فارسی در مدرسه و دانشگاه.

علی‌رغم کوشش‌های صورت‌گرفته، در عرصه‌های فوق چند مشکل عمده به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱- همه‌گیر نشدن واژه‌های جانشین

پدیده‌ها و مفاهیم نو به واژه‌های نو نیاز دارند. پیشرفت‌های صنعتی، جهش‌های علوم طبیعی و انسانی در عصر مدرن [۱] موجب شد نیاز اهالی زبان‌ها به واژه‌های تازه بیشتر شود. وام‌گیری واژه از زبان‌های دیگر، ساختن واژه‌ها، و یافتن معادل‌های جدید از جمله روش‌های متداول افزودن واژه به زبان است. در ایران، واژه‌گزینی -گرچه در این باره هیچ‌گاه میان دانشوران حوزه زبان اتفاق نظر وجود نداشته- یکی از روش‌های افزودن واژه به زبان فارسی است که اگر شکل نوین آن را در نظر بگیریم، کمتر از صد سال قدمت دارد. در این مسیر، علاوه بر کوشش‌های فردی نویسندگان و مترجمان و زبان‌شناسان و ادیبان و...، کوشش‌های سازمان‌یافته‌ای برای سازگاری زبان فارسی با تحولات جدید صورت گرفته است. این کوشش‌ها از فرهنگستان ایران یا فرهنگستان اول آغاز شد. در این دوره، فرهنگستان حدود ۲ هزار معادل فارسی برگزید که بسیاری از آن‌ها به‌مرور در زبان فارسی متداول گشت. فرهنگستان زبان ایران یا فرهنگستان دوم حدود ۶ هزار و ششصد و پنجاه معادل برگزید که تعدادی از آن‌ها در زبان فارسی راه یافت. یکی از اهداف اولیه شکل‌گیری فرهنگستان زبان و ادب فارسی یا فرهنگستان سوم در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز واژه‌سازی و یافتن معادل‌های جدید در برابر واژه‌های عمومی یا علمی بیگانه بود که در اساسنامه این فرهنگستان بر آن تأکید شده است (رک: اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۶۸، تا ۱۳۸۳: ماده ۲). برای تحقق این هدف، گروه واژه‌گزینی فرهنگستان

زبان و ادب فارسی در ۱۳۷۰ کار خود را آغاز کرد. گردش کار گروه این‌گونه است که واژه‌ها پس از بررسی و معادل‌گزینی در گروه‌های تخصصی به شورای هماهنگی و سپس به هیئت فنی می‌روند و پس از برطرف کردن اشکالات و انجام اصلاحات در شورای واژه‌گزینی درباره آن‌ها بحث می‌شود و در صورت موافقت بیشتر اعضای شورا، تصویب می‌گردند (رک: حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۶). واژه‌های مصوب فرهنگستان، از دفتر دوم به بعد، در آغاز به صورت آزمایشی تصویب می‌شوند تا اگر انتقادی به آن‌ها باشد، بررسی شوند و پس از سپری شدن زمان معین (در حال حاضر سه سال) به تصویب نهایی رسند. افزایش تعداد شوراهای واژه‌گزینی، افزایش کارشناسان، برون‌سپاری و دعوت از استادان دانشگاه و انجمن‌های علمی برای همکاری، از راهکارهای فرهنگستان برای سرعت‌بخشی به کار واژه‌گزینی بوده است (رک: همان: ۲۴-۲۶). واژه‌های آزمایشی و قطعی مصوب فرهنگستان از طریق کتاب‌ها و جزوات، ضبط واژه‌ها بر تارنمای فرهنگستان، و رسانه‌ها به اطلاع مردم می‌رسد. این فرهنگستان تاکنون بیش از ۵۴ هزار واژه برگزیده است.

حسن حبیبی در ۱۳۸۷ ضمن گزارشی که نامه فرهنگستان آن را منتشر کرد، فروش دفترهای واژه‌گزینی را نشانه استقبال مردم از واژه‌گزینی فرهنگستان دانست (رک: همان: ۲۲-۲۳). اما امروز که هشت سال از انتشار این گزارش می‌گذرد، ناآشنایی نسل جدید با واژه‌های جانشین و همه‌گیر نشدن و جان‌یفتادن واژه‌ها میان عام و خاص مشهود است. شایعاتی که گاه در باب بودجه فرهنگستان بر سر زبان‌ها می‌افتد، تصور اینکه فرهنگستان تنها به کار واژه‌سازی مشغول است، حقیقی تلقی شدن بسیاری از شوخی‌های رایج در باب واژه‌سازی فرهنگستان، حکایت از این دارد که گروه کثیری از مردم با نهاد فرهنگستان و واژه‌های جانشین آشنایی ندارند و این خود منجر به عقیم ماندن زحمات دست‌اندرکاران واژه‌گزینی این نهاد شده است. به نظر می‌رسد فراگیر نشدن واژه‌ها یکی از مشکلات عمده واژه‌گزینی فرهنگستان است و طبعاً چون هدف صرفاً تولید واژه نیست و بلکه رواج آن در جامعه نیز اهمیت دارد، باید در باب آن به‌جد تدبیر و برنامه‌ریزی کرد. البته، پیش از هر کار، شایسته است گزارش دقیقی از میزان اقبال مردم به واژه‌های جانشین تهیه شود تا ادعاها با استناد به اثبات رسد.

۲- دشواری‌های پیش روی گسترش زبان فارسی

آمار دقیقی از تعداد سخن‌گویان زبان فارسی در جهان وجود ندارد. مطابق بعضی آمارها، تعداد سخن‌گویان فارسی در جهان ۱۱۰ میلیون نفر است (۴۱۸: ۲۰۰۹). امروز گرچه زبان چینی، از نظر تعداد سخن‌گوی بومی، در میان زبان‌های دنیا مقام نخست را دارد، اما انگلیسی محبوب‌ترین زبان، از نظر آموزش زبان دوم، و رایج‌ترین زبان جهان در مناسبات گوناگون به‌ویژه مبادلات علمی، اقتصادی و تجاری است. علاوه بر انگلیسی، زبان‌های اسپانیایی، چینی، روسی، عربی و فرانسوی، زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد به شمار می‌روند. انگلیسی، عربی، اسپانیایی، ایتالیایی، روسی، فرانسوی و ترکی به عنوان زبان‌های بین‌المللی در یونسکو ثبت شده‌اند.

کوشش دولت‌ها برای بالا بردن میزان محبوبیت زبان ملی خویش در جهان و بدل ساختن آن به زبانی بین‌المللی دغدغه آنان را برای رسیدن به اهداف گوناگون از قبیل تثبیت موقعیت، افزایش قدرت و بالا بردن امنیت ملی کشور خویش-

نشان می‌دهد. در جهان کنونی، برای گسترش نفوذ کشورها، تثبیت موقعیت آن‌ها و حفظ امنیت ملی، دیگر، روش‌های نظامی لزوماً کارساز نیست، بلکه به تأثیرگذاری با ابزار نرم -به‌ویژه از طریق عناصر فرهنگی- بیشتر اعتنا می‌شود [۲]. کوشش بعضی کشورها برای گسترش زبان ملی خود در جهان را می‌توان جزو مقوله استفاده از ابزار نرم برای رسیدن به اهداف یادشده تلقی کرد. در بعضی کشورها، نهادها و مؤسساتی رسماً وظیفه گسترش زبان ملی آن کشور را در جهان برعهده دارند. مؤسسه گوته در آلمان، سروانتس در اسپانیا، دانتته در ایتالیا، بریتیش کنسول در انگلستان و یونس امره در ترکیه از مشهورترین این مؤسسات‌اند.

مسئولان جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به زبان فارسی توجه بیشتری نشان داده‌اند. سیاست‌های اتخاذشده و تأکید بر اهمیت دیپلماسی فرهنگی در جهان امروز و لزوم روی آوردن ایران به این شیوه (از جمله رک: دربندی، ۱۳۹۳)، از نشانه‌های این توجه است. در حال حاضر، بنیاد سعدی متولی رسمی گسترش و تقویت زبان فارسی در خارج از ایران است. پیش از تأسیس این بنیاد، نهادها و مراکزی در حوزه آموزش زبان فارسی فعالیت می‌کردند، اما در این زمینه وحدت و تمرکز وجود نداشت. بنیاد سعدی در ۱۳۸۹ تأسیس و فعالیت آن رسماً از اردیبهشت ۱۳۹۲ آغاز شد. از این‌رو، مؤسسه‌ای نوپا محسوب می‌شود. فعالیت‌های این بنیاد بر آموزش زبان فارسی در خارج از ایران متمرکز شده و دوره‌های آموزشی آن شامل فارسی‌آموزی با اهداف مختلف و در سطوح گوناگون، و نیز تربیت مدرس زبان فارسی است. بنابر اظهارات معاون امور بین‌الملل این بنیاد، چند راهکار مهم بنیاد برای گسترش زبان فارسی در جهان از این قرار است: ۱- کوشش برای اینکه زبان فارسی یکی از زبان‌های دوم خارجی در مدارس کشورها باشد؛ ۲- آموزش زبان فارسی به داوطلبان آزاد؛ ۳- تبلیغ در دانشگاه‌هایی که رشته شرق‌شناسی دارند با این هدف که دانشجویان از میان چهار زبان حوزه شرق‌شناسی، فارسی را انتخاب کنند؛ ۴- تبلیغ در دانشگاه‌های خارجی که رشته زبان و ادبیات فارسی دارند با این هدف که دانشجویان بیشتری این رشته را بخوانند؛ ۵- آموزش زبان فارسی به دانش‌آموزان ایرانی مقیم خارج؛ ۶- ارتباط با انجمن‌های غیر دولتی آموزش زبان فارسی در خارج از ایران (صادقی، ۱۳۹۵). رئیس بنیاد سعدی مشکلات بودجه‌ای و ارتباطی را از مهم‌ترین مشکلات این بنیاد می‌داند (همان‌جا).

۳- بی‌توجهی به زبان فارسی در مذاکرات و اسناد دولتی

در بعضی کشورها -نظیر فرانسه- کمتر اتفاق می‌افتد مقام‌های دولتی، هنگام مذاکره و مصاحبه و سخنرانی، به زبانی غیر از فرانسه سخن بگویند، اما علی‌رغم تعصبی که ما ایرانیان به زبان فارسی نشان می‌دهیم، بسیاری از مذاکرات دیپلماتیک میان مسئولان ایرانی و کشورهای دیگر به زبان انگلیسی و یا زبان آن کشور انجام می‌شود. گرچه آشنایی با زبان‌های دیگر محسّناتی دارد، که در جای خود باید به آن پرداخت، اما بی‌توجهی به زبان فارسی در مصاحبه‌ها و یا مذاکرات و حتی در انتشار اسناد، نشان‌دهنده بی‌اعتنایی مسئولان کشور به یکی از عناصر انسجام ملی است. به جز بخش دیپلماتیک، در وزارت‌خانه‌هایی مانند نفت، راه و شهرسازی و صنعت و معدن و همچنین شرکت‌های بزرگ دولتی، مکاتبات و مذاکرات و موافقت‌نامه‌ها معمولاً به زبانی غیر از زبان فارسی است.

در دستور خط فارسی اختلاف سلیقه بسیار است. در قرن حاضر، عده‌ای از اهل فن بر این باورند که خط فارسی معایب و اشکالات فراوانی دارد و باید آن را اصلاح کرد یا، در مجموع، آن را به خطی دیگر تغییر داد. عده‌ای معتقدند خط فارسی را نباید تغییر داد، اما باید قوانین قطعی و دقیقی بر شیوه نوشتن آن حاکم باشد و نویسندگان از آن قوانین تخطی نکنند. گروهی دیگر طرفدار بازگذاشتن دست نویسندگان در انتخاب شیوه نگارش اند (رک: دستور خط فارسی، ۱۳۹۴: ۱-۲). بعضی صاحب‌نظران معتقدند خط نقش مهمی در پروراندن زبان و تبدیل آن به زبان معیار دارد و اگر فارسی هنوز نتوانسته، آن‌چنان که شایسته است، به زبان معیار تبدیل شود، به علت آگاهی نداشتن از مبانی املائی فارسی و پیروی نکردن از شیوه املائی درست و واحد است (رک: سمیعی، ۱۳۹۱: ۲۲۳-۲۲۴).

درباره شیوه نگارش خط فارسی، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است. [۳] گروهی از سازمان‌های انتشاراتی، مراکز پژوهشی، دانشنامه‌ها و مجلات علمی نیز برای نحوه نگارش به فارسی شیوه‌نامه‌هایی تدوین کرده‌اند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۱ کتابچه دستور خط فارسی را، با هدف قانون‌مندی و قاعده‌پذیری خط فارسی، منتشر کرد. با مقایسه شیوه‌نامه‌های گوناگون درمی‌یابیم چندگانگی و اختلاف سلیقه در شیوه نگارش خط فارسی بسیار است. فزونی گرفتن استفاده از رایانه در نوشتن و توسعه فضای مجازی موجب شده است این چندگانگی‌ها و اختلافات بیشتر نمایان گردد و نوعی یکدست نبودن، بی‌قاعدگی و آشفتگی در نگارش خط فارسی در کتاب‌ها و مجلات و سازمان‌های گوناگون به چشم خورد. نگاهی به کتاب‌ها، نشریات و سایر آثار منتشرشده نشان می‌دهد که ناشران و نویسندگان لزوماً از دستور خط فارسی (بر پایه مصوبات فرهنگستان) پیروی نمی‌کنند و معمولاً شیوه‌های مصوب دیگر و نیز شیوه‌های مختص خود را به کار می‌برند و در این زمینه همچنان اختلاف آرا و سلاقی بسیار است.

۵- ضعف مهارت‌های نگارشی و رواج شلخته‌نویسی

در گذشته، سواد - در مفهوم توانایی خواندن و نوشتن - در دسترس گروه معدودی از مردم بود، اما اکنون از شکل اختصاصی و انحصاری بیرون آمده است و بیشتر افراد جامعه به آموختن آن همت می‌گمارند. بسیاری از کارهای تحقیقی، اداری و حتی روزمره ما با نوشتن پیوند دارد. امروز، با وجود فراوانی شمار دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی که بخش اعظم وظیفه سوادآموزی را بر عهده دارند، مهارت‌های نگارشی دانش‌آموزان و دانشجویان و دانش‌پژوهان آشکارا وضعیت نامناسبی دارد. بسیاری از نگارش درست متنی ساده ناتوان‌اند و چه‌بسا در برگه‌های آزمون، نوشته‌های تحقیقی و دانشگاهی و نامه‌های رسمی آنان، غلط‌های فاحش املائی و نگارشی به چشم می‌خورد. ضعف‌های فراوان نگارشی از بیماری و آسیبی جدی در حوزه نگارش زبان فارسی خبر می‌دهد و فقط گریبان دانشجویان را نگرفته است، بلکه میان دانشگاهیان و پژوهندگان و آنان که با نوشتن سروکار دارند، به چشم می‌خورد.

شلخته‌نویسی نیز مشکل جدیدی است که باشتاب میان نسل جوان به‌ویژه آنان که بیشتر وقت خود را در فضای مجازی

سپری می‌کنند. رخنه کرده است. شکستن واژه‌ها آن هم به غلط و بی‌هیچ قاعده‌ای. در نوشتار، غلط نوشتن واژه‌ها به قصد شوخی، مبهم‌نویسی، جمله‌بندی‌های آشفته و کاربرد تکیه‌کلام‌ها و تعابیر نادرست از انواع متداول شلخته‌نویسی است.

برای برطرف کردن این مشکلات، کار جدی انجام نشده است. حذف درس انشا از مدارس کار صحیحی نبوده است. البته لازم به ذکر است که یکی از اقدام‌های مثبت تازه انجام‌شده تعریف‌گرایش‌نگارش و ویرایش در مقطع کارشناسی ارشد [۴] است. امسال در دفترچهٔ آزمون سراسری مقطع کارشناسی ارشد برای نخستین بار این گرایش دیده می‌شود که باید از آن حمایت کرد. اما به طور کلی، به حوزه نگارش کم‌توجهی بسیار شده است.

ج) سیاست‌های پیشنهادی

گرچه بیشتر مسائل زبان فارسی امروز در گذشته مطرح نبود، نگاهی به تاریخ زبان فارسی در دوره اسلامی نشان می‌دهد که در اعصار مختلف، شکوفایی زبان با سیاست‌های حاکمان پیوند داشته است و این زبان در دوره‌هایی تقویت شده است که دولت حاکم یا توانا و کشورگشا بوده، یا به سبب عواملی همچون تعصب نژادی، حس ایران‌دوستی، توجه به خواست بیشترینه ایرانیان و به منظور حفظ محبوبیت خویش در میان مردم. سیاست ترویج زبان فارسی و حمایت از آن در پیش گرفته است. در عصر حاضر نیز پاسداری از زبان فارسی و تقویت آن، بدون کمک نهادهای قانون‌گذار و فعال در حوزه زبان فارسی و نیز بدون سیاست‌گذاری از جانب دولت، امکان‌ناپذیر یا دست‌کم بسیار دشوار است. در این بخش از نوشته، با توجه به مشکلاتی که در بخش پیش ذکر شد، راهکارهایی برای حفظ و تقویت زبان فارسی پیشنهاد می‌شود که، هرچند ممکن است بعضی قبلاً مطرح شده یا جزو اهداف نهادهایی نظیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد سعدی آمده باشد، اما تاکنون اجرا نشده است. به علاوه، در پایان، پیشنهادهایی طرح می‌شود که به حوزه سیاست خارجی مربوط است.

۱- واژه‌گزینی

۱-۱- واحد درسی واژه‌گزینی در دانشگاه

برای فراگیر شدن واژه‌های جانشین، آموزش بنیادی‌ترین و کارآمدترین شیوه است. دانشگاه مهم‌ترین مرکز علم‌آموزی و علم‌پروری در کشور است و سزاوار است تلاش برای فراگیر کردن واژه‌های جانشین از طریق آموزش در دانشگاه آغاز

شود. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود درسی با عنوان آشنایی با واژه‌گزینی تعریف گردد. این درس را می‌توان به صورت یک واحدی و برای بیشتر رشته‌ها با توجه به موضوع آن رشته در مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد عرضه کرد و علاوه بر مباحثی همچون تعریف واژه‌گزینی، تاریخچه آن، اهمیت و ضرورت واژه‌گزینی، آشنایی با ساختمان واژه در فارسی و راه‌های واژه‌گزینی، به معرفی واژه‌های عمومی و نیز واژه‌های تخصصی مصوب آن رشته پرداخت. این کار آگاهی دانشجویان را از فعالیت‌های فرهنگستان و شناخت آن‌ها را از واژه‌های جانشین بالا می‌برد و چه بسا موجب شود فکرها و انتقادهای دانشجویان مسیر واژه‌گزینی را هموارتر سازد. می‌توان مدرّسان این رشته را در وهله نخست، از فارغ‌التحصیلان رشته واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، و در مرتبه بعد زبان‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی برگزید که با مقوله واژه‌سازی و واژه‌گزینی و فعالیت‌های فرهنگستان آشنایی دارند. این طرح در آغاز می‌تواند با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و فرهنگستان در چند دانشگاه به صورت آزمایشی اجرا شود.

۲-۱- تعامل نهادها با فرهنگستان

مجلس شورای اسلامی در ۱۳۷۵ قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه را در ایران تصویب کرد. آیین‌نامه اجرایی این قانون در ۱۳۷۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. در سال ۱۳۹۴ هیئت وزیران این آیین‌نامه را بازنگری و اصلاح کرد. مطابق این قانون، دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی کشور و سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و کلیه شرکت‌هایی که شمول و قوانین مقررات عمومی بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است و تمامی شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مذکور در بند تبصره ۲۲ قانون برنامه دوم توسعه موظف شدند از به کار بردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های رسمی خودداری کنند. به‌علاوه، استفاده از این واژه‌ها بر کلیه تولیدات داخلی اعم از بخش‌های دولتی و غیر دولتی که در داخل کشور عرضه می‌شود ممنوع اعلام شد. با توجه به تبصره پنجم این قانون، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و اماکن تولیدی و خدماتی و تجاری موظف‌اند ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون، اسامی تولیدات و ظرف مدت یک سال نام اماکن خود را به نام‌ها و واژه‌های غیر بیگانه برگردانند. مطابق تبصره‌های دیگر، چاپخانه‌ها، مراکز طبع و نشر، روزنامه‌ها و سایر مطبوعات، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف‌اند از این قانون تبعیت کنند. در تبصره هشتم آمده است تولید و توزیع‌کنندگان کالاها و صاحبان مراکز کسب و پیشه در صورت تخلف از این قانون به مجازات محکوم می‌شوند. لغو پروانه کار شدیدترین مجازات‌هاست (رک: قانون ممنوعیت ...، ۱۳۷۵).

با اینکه سال‌ها از تصویب این قانون می‌گذرد، به نظر می‌رسد نمونه‌های سرپیچی از آن بسیار است. چنان‌که امروز به جای واژه سرا غذا، بر تابلو بسیاری از مجموعه‌های غذایی واژه بیگانه فود کورت آمده است؛ بر تابلو مکان‌های شست‌وشوی خودرو به جای خودروشویی، کاربرد کارواش رایج است؛ به جای خوشاب، کمپوت متداول است؛ و مثال‌های متعدد دیگر. فرهنگستان دستگاه اجرایی نیست و منطقی‌تر می‌تواند پیگیر تخلفات این حوزه باشد. در تبصره نهم این قانون، وظیفه جلوگیری از نصب و استفاده از علائم به زبان و خط بیگانه توسط مراکز تولید، توزیع و صنوف به نیروی انتظامی واگذار شده است. مقاومت در برابر واژه‌هایی که فرهنگستان می‌سازد، موضوع کهنه‌ای است و به آغازین سال‌های فعالیت

فرهنگستان اول بازمی‌گردد. چندی پیش که مسئولین آموزش و پرورش تصمیم گرفتند واژه‌های مصوب فرهنگستان را وارد کتاب‌های درسی کند، نیز سیلی از اعتراض و طعنه در مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه به واژه‌های حوزه زیست‌شناسی- جاری شد. واژه‌ها به‌سادگی جایگزین نمی‌شوند و رواج نمی‌یابند. درست است که واژه‌های مصوب را نمی‌توان به‌زور به مردم تحمیل کرد، اما وقتی واژه‌ای جانشین می‌شود، دست‌کم باید احکامی وجود داشته باشد که ادارات ثبت شرکت‌ها، اتحادیه‌های مسئول صدور پروانه کسب و سایر جوازدهندگان و نیز نهادها و دستگاه‌های دیگر در نام‌گذاری‌ها از قواعد مصوب پیروی کنند. مراجع قانون‌گذار کشور باید سیاستی اتخاذ کنند که قانون در این‌باره به اجرا درآید. پیشنهاد می‌شود فرهنگستان شورای پیگیری مصوبات حوزه زبان فارسی به‌ویژه واژه‌گزینی نیز داشته باشد و با نهادهای دیگر به تعامل بیشتر پردازد.

۲- گسترش زبان فارسی

۲-۱- آموزش از راه دور

در اساسنامه بنیاد سعدی بر این مسئله تأکید شده است (اساسنامه بنیاد سعدی ۱۳۸۹،). به‌منظور فراهم آوردن فرصت فارسی‌آموزی برای مخاطبان بیشتر، لازم است راه‌اندازی بخش آموزش‌های الکترونیکی جزو برنامه‌ها و اقدامات فوری این بنیاد قرار گیرد و به یاری تکنولوژی‌های نوین، دوره‌های آموزشی مجازی یا آموزش از راه دور زبان فارسی برگزار شود.

۲-۲- اقدام‌های تشویقی

از جمله اقدام‌های تشویقی، حمایت از ترجمه متون شاخص ادبی فارسی به زبان‌های دیگر است. پیشنهاد می‌شود بنیاد سعدی هر سال، ضمن فراخوانی بین‌المللی، محققان و مترجمان را به ترجمه یک یا چند عنوان از آثار مهم ادبیات فارسی به زبان‌های بیگانه دعوت کند و جایزه‌ای برای ترجمه‌های برتر در نظر بگیرد. [۵] برگزاری المپیاد ادبی در سطح بین‌المللی نیز از دیگر اقدام‌های تشویقی مؤثر است که در اساسنامه بنیاد سعدی (همان‌جا) هم بر آن تأکید شده است. المپیاد ادبی در حال حاضر در دو سطح دانش‌آموزی و دانشجویی در داخل ایران برگزار می‌شود. هدف اصلی از برگزاری المپیاد شناسایی استعدادهای برتر و کمک کردن به شکوفایی آن‌هاست. ایران می‌تواند بانی المپیاد بین‌المللی ادبیات در سطح دانشجویی برای غیر فارسی‌زبانان و بنیاد سعدی برگزارکننده آن باشد. این اقدام، به دلیل جنبه تشویقی و حمایتی، به گسترش زبان و ادبیات فارسی کمک می‌کند.

۲-۳- دوره فرعی آشنایی با ادبیات فارسی

دوره فرعی [۶] را می‌توان در آن دسته از دانشگاه‌های خارج از ایران پایه‌گذاری کرد که آموزش زبان فارسی در آن‌ها دایر است. سرفصل درس‌ها و مواد درسی باید به‌گونه‌ای تعریف شود که با توانایی زبان‌آموزان تناسب داشته باشد و، در ضمن، آن‌ها را با جلوه‌های مختلف ادبیات ایران آشنا سازد. دوره‌های فرعی را می‌توان به صورت اختصاصی‌تر و با موضوعات محدودتر نیز تعریف کرد. مناسب است بنیاد سعدی و معاونت گسترش زبان فارسی در وزارت علوم برای راه‌اندازی این دوره‌ها برنامه‌ریزی و اقدام کنند.

۲-۴- آزمون فارسی به عنوان زبان بیگانه

به این مطلب نیز در اساسنامه بنیاد سعدی (همان‌جا) اشاره شده است. در دنیای امروز، سال‌هاست با برگزاری آزمون‌هایی میزان توانایی داوطلبان ورود به دانشگاه در زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها سنجیده می‌شود. در باب زبان فارسی نیز شایسته است چنین آزمون‌های استانداردی تعریف و مصوب کرد و چنان باشد که دانشجویان خارجی و نیز ایرانیان مقیم خارج که قصد تحصیل در ایران دارند، ابتدا نمره قبولی این آزمون را کسب کنند.

۲-۵- حمایت از گرایش آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی

در حال حاضر این گرایش در مقطع کارشناسی ارشد در بعضی دانشگاه‌های ایران دایر است. تبلیغ برای راه‌اندازی این گرایش در دانشگاه‌های جهان به‌ویژه دانشگاه‌هایی که در آن‌ها رشته زبان و ادبیات فارسی دایر است، پیشنهاد می‌شود.

۲-۶- تأسیس شورای جهانی گسترش زبان فارسی

هرچند فعالیت‌های بنیاد سعدی نشان می‌دهد که مسئولان این بنیاد با کشورهای فارسی‌زبان در پاره‌ای موارد همکاری داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد تشکیل شورای جهانی متشکل از نمایندگان ایران، افغانستان، تاجیکستان و استادانی از هند و پاکستان و سایر نقاط برای چاره‌اندیشی در باب آینده زبان فارسی مناسب است.

۳- مهارت‌های نگارشی و دستور خط فارسی

۳-۱- آموزش نگارش

اُفتِ مهارت‌های نگارشی میان تحصیل‌کنندگان و تحصیل‌کردگان دلایل متعددی دارد. چنان‌که احمد سمیعی (گیلانی)

در مقاله‌ای تأکید ورزیده است، یکی از مهم‌ترین دلایل آن دسترسی نداشتن به آموزش مهارت‌های نگارشی است (۱۳۸۹: ۶). امروزه، آموزش مهارت‌های نگارشی چه در مدارس و چه در دانشگاه‌ها وضعیت نامطلوبی دارد. انشا از برنامه درسی حذف شده است. جز رشته زبان و ادبیات فارسی، در کمتر رشته دانشگاهی، درسی به مباحث آیین نگارش فارسی اختصاص دارد. ادبیات فارسی عمومی - که می‌توان بخشی از آن را به آموزش مهارت‌های نگارشی اختصاص داد - در دانشگاه‌ها بیشتر جنبه‌ای تشریفاتی یافته است و چه از جانب برنامه‌ریزان و چه دانشگاهیان، جدی تلقی نمی‌شود. شمار بسیار دانشجویان در کلاس‌های ادبیات فارسی عمومی با ماهیت کارگاهی و عملی درس نگارش سازگار نیست. آموزش صحیح راه حل اصلی و اساسی مسئله افت مهارت‌های نگارشی است. این تصور نادرست رواج دارد که نگارش متعلق به رشته زبان و ادبیات فارسی است؛ حال آنکه نوشتن برای همه آنان که به نوعی با دانش‌آموزی و دانش‌اندوزی سر و کار دارند و بسیاری که در سازمان‌ها و ادارات کار می‌کنند، ضروری است و بنابراین، گروه وسیعی از باسوادان جامعه به آموختن این مهارت و توانایی به کارگیری آن نیاز دارند. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان آموزش و پرورش درس انشا را در مدارس احیا کنند و به‌ویژه برای معلمان این درس دوره‌های آموزشی آیین نگارش تدارک بینند. در دانشگاه نیز دو واحد درسی اجباری یا پیش‌نیاز به آیین نگارش فارسی اختصاص داده شود.

۳-۲- آزمون سنجش مهارت‌های نگارشی

آزمون‌های سراسری در ایران به صورت چهار گزینه‌ای برگزار می‌شود. حتی آزمون دکتری نیز که برگزاری آن سال‌ها در اختیار دانشگاه‌ها و غالباً به صورت تشریحی بود، امروزه به صورت متمرکز و تستی برگزار می‌شود. این روش از جمله عواملی است که به کاهش مهارت‌های نگارشی محصلان صدمه زده است. در آزمون‌های سنجش مهارت زبان‌های بیگانه غالباً بخشی به نگارش اختصاص دارد و داوطلب باید مطلبی در باب یک موضوع بنویسد. اکنون، آزمون‌های سنجش زبان انگلیسی بیش از سایر زبان‌ها داوطلب دارد. دانشجویانی که می‌خواهند نمره قبولی چنین آزمون‌هایی را کسب کنند، مهارت‌های نگارش به زبان انگلیسی را در خود تقویت می‌کنند. به جرئت می‌توان گفت دانشجویان ایرانی شرکت‌کننده در این آزمون‌ها در نگارش به زبان انگلیسی به مراتب بیش از فارسی تبحر دارند و به نوشتار انگلیسی بیش از فارسی مسلط‌اند. یکی از راهکارهای تقویت مهارت‌های نگارشی به فارسی این است که در آزمون‌های سراسری همه مقاطع بخشی به نگارش اختصاص داده شود و داوطلبان ملزم به نوشتن یادداشت یا مقاله کوتاهی به زبان فارسی با رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی آن باشند.

۳-۳- تدوین شیوه‌نامه فرهنگستان و ترویج آن

با توجه به پراکندگی و اختلاف در نوشتن خط فارسی و وجود شیوه‌های گوناگون، شایسته است فرهنگستان شیوه‌نامه جامعی تدوین کند که علاوه بر دستور خط، در باب شکل ظاهری نوشته، شیوه ارجاع‌دهی، کاربرد نشانه‌گذاری و... قوانینی عرضه کند. شاید بهترین راه جلب نظرهای گوناگون این باشد که در تدوین چنین شیوه‌نامه‌ای، تا آنجا که ممکن است، در موارد متعدد چندین شیوه درست را پیشنهاد کرد و دست نویسندگان را برای انتخاب بازگذاشت. چنان که در حال حاضر

نیز دستور خط فارسی (مصوب فرهنگستان) در بعضی موارد (نظیر جدا نوشتن یا به هم پیوسته نوشتن های جمع به واژه پیش از خود، یا گذاشتن تشدید در همه موارد یا فقط مواردی که احتمال اشتباه خوانی وجود دارد) اختیار را به نویسندگان می‌دهد. به علاوه، به نظر می‌رسد باید مدرسانی از جانب فرهنگستان در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و... کارگاه‌های آموزشی برگزار کنند و دستور خط یا شیوه‌نامه فرهنگستان را به دانشجویان، استادان، پژوهشگران و... آموزش دهند. به علاوه، وزارت فرهنگ و ارشاد سیاستی در پیش گیرد که ناشران ملزم به رعایت شیوه‌نامه فرهنگستان باشند و بخشی در وزارت فرهنگ و ارشاد بر این مسئله نظارت کند.

۴- لزوم توجه به زبان فارسی در سیاست خارجی

علاوه بر پیشنهادهای ذکر شده، تصمیم‌گیران و فعالان عرصه روابط خارجی نیز باید بیشتر به زبان فارسی اعتنا کنند. منظور از روابط خارجی، تمام مذاکرات و مکاتبات و دید و بازدیدها و پیمان‌ها و مقابله‌نامه‌های یک کشور با محیط پیرامون خود است. در این باره پیشنهادهای زیر به نظر می‌رسد:

۴-۱- آموزش زبان فارسی به دیپلمات‌های خارجی

تاریخ دیپلماسی نشان می‌دهد که دیپلمات‌های آشنا به زبان کشوری که در آن مأموریت دارند، در حفظ منافع ملی کشور خویش بیشتر موفق بوده‌اند. در بعضی از کشورها، آشنایی با زبان کشور مقصد، پیش‌نیاز اعزام دیپلمات به آن کشور است. در دوران پس از انقلاب اسلامی تاکنون، همه سفیران اتحاد شوروی و جمهوری فدراتیو روسیه با زبان فارسی آشنایی کامل داشته‌اند.

بی‌تردید، دیپلمات‌ها باید به زبان رایج کشوری که در آن زندگی می‌کنند، آشنا باشند یا دست کم در سخن گفتن و نوشتن به زبان بین‌المللی مذاکرات سیاسی، یعنی انگلیسی، تبحر داشته باشند، اما می‌توان دیگران را به آموختن فارسی تشویق کرد. سرمایه‌گذاری برای آشنایی دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران و دیگر شهرهای ایران با زبان فارسی اهمیت دارد. گرچه مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در طول دوران فعالیت خود، گاه برای دیپلمات‌های خارجی نیز دوره‌های آموزشی برگزار کرده است، اما نیازهای سفیران، نمایندگان سیاسی دیگر کشورها، مدیران شرکت‌های خارجی در تهران متنوع است و نیازمند سیاست‌گذاری برای عرضه برنامه‌ها و بسته‌های گوناگون آموزش زبان فارسی است. پیشنهاد می‌شود وزارت امور خارجه و بنیاد سعدی در این باره برنامه‌ریزی کنند.

۴-۲- ضرورت آموزش زبان فارسی به فرزندان دیپلمات‌های ایرانی خارج از کشور

سال‌هاست که دیگر دولت ایران فرزندان دیپلمات‌های ایرانی مقیم کشورهای دیگر را به تحصیل در مدارس ایرانی مجبور یا دست‌کم تشویق نمی‌کند. بعضی از آنان که، پس از پایان دورهٔ مأموریت والدین، برای ادامهٔ تحصیل به ایران می‌آیند، در نوشتن به زبان فارسی مشکل جدی دارند. شایسته است دولت در این زمینه سیاست‌های تشویقی و تنبیهی همراه با هم داشته باشد.

۳-۴. پافشاری مسئولان رسمی کشور به فارسی سخن گفتن و نوشتن

نگاهی به اسناد تاریخی ایران نشان می‌دهد که غالباً از همهٔ قراردادهای پیمان‌ها و مقابله‌نامه‌های متبادل میان ایران و دیگر کشورها، نسخه‌ای به زبان فارسی در آرشیوها موجود است. امروزه این مسئله کمتر در کانون توجه است. به‌علاوه، بعضی مسئولان کشور گاه یا غالباً به زبان‌های دیگر مذاکره می‌کنند یا در مصاحبه‌ها به زبان دیگر سخن می‌گویند. شایسته است مسئولان کشور بر سخن گفتن به فارسی در مذاکرات و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها پافشاری کنند. این کار نوعی ارج‌گذاشتن به زبان فارسی و هویت ملی ایران، به هنگام حضور در محافل خارجی است.

نتیجه

زبان و خط فارسی یکی از عناصر فرهنگی حاکم بر زندگی فارسی‌زبانان و از جمله ایرانیان است. میان توسعهٔ ایران و توسعه و تقویت زبان فارسی پیوندی نزدیک برقرار است و سیاست‌گذاری در حوزهٔ زبان فارسی با هدف تقویت کردن و توانمند ساختن این زبان در روزگار معاصر امری بایسته و ضروری است.

تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تأسیس بنیاد سعدی و سایر مراکز آموزش زبان فارسی، راه‌اندازی معاونت گسترش زبان فارسی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و اعزام استادان به خارج از ایران با هدف آموزش زبان فارسی، تعریف رشتهٔ دانشگاهی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، تعریف رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه، تعریف گرایش نگارش و ویرایش در دانشگاه، تدریس درس‌های زیرمجموعهٔ زبان و ادبیات فارسی در مدرسه و دانشگاه از جمله اقدام‌های مهم سیاستی برای حمایت از زبان فارسی در سال‌های اخیر بوده است. علی‌رغم کوشش‌های صورت‌گرفته، در عرصه‌های فوق چند مشکل عمده به چشم می‌خورد. بعضی از این مشکلات عبارت‌اند از:

- شمار قابل توجهی از واژه‌هایی که فرهنگستان برگزیده و پیشنهاد کرده است، میان مردم و در محافل علمی و تخصصی رواج نیافته است.

- احساس نیاز به آموختن زبان فارسی به منزلهٔ زبان دوم بیگانه و اشتیاق به یادگیری آن در دنیای معاصر کم‌رنگ است.

– دستور خط فارسی یکپارچه نیست و کتابچه دستور خط فارسی که فرهنگستان در این باره منتشر کرده است، مبنای کار بسیاری از نویسندگان، نشریات، ناشران، نهادها و... نیست.

– مهارت‌های نگارشی دانش‌آموزان، دانشجویان، نویسندگان عرصه‌های گوناگون و بسیاری که به نوعی با نوشتن سر و کار دارند، در سال‌های اخیر افت بسیار کرده و شلخته‌نویسی متداول شده است.

در این مقاله، راهکارهای زیر برای برطرف ساختن مشکلات فوق عرضه شد:

۱- تدریس درس آشنایی با واژه‌گزینی در دانشگاه‌ها؛

۲- راه‌اندازی شورای پیگیری مصوبات فرهنگستان و تعامل نهادها با فرهنگستان؛

۳- اقدام به آموزش زبان فارسی از راه دور؛

۴- اقدام‌های تشویقی از جمله حمایت از ترجمه متون شاخص ادبی فارسی به زبان‌های دیگر و برگزاری المپیاد ادبی در سطح بین‌المللی؛

۵- حمایت از راه‌اندازی دوره فرعی آشنایی با ادبیات فارسی در دانشگاه‌های جهان؛

۶- برگزاری آزمون تعیین سطح فارسی برای دانشجویان خارجی و نیز ایرانیان مقیم خارج که قصد تحصیل در ایران دارند؛

۷- حمایت از راه‌اندازی گرایش آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی؛

۸- تأسیس شورای جهانی گسترش زبان فارسی؛

۹- احیای درس انشا در مدارس؛

۱۰- برگزاری دوره‌های آموزشی آیین نگارش برای معلمان انشا؛

۱۱- اختصاص دادن دو واحد درسی اجباری یا پیش‌نیاز به آیین نگارش فارسی در دانشگاه؛

۱۲- افزودن آزمون سنجش مهارت‌های نگارشی به آزمون سراسری؛

۱۳- تدوین شیوه‌نامه جامع فرهنگستان و کمک به ترویج آن؛

۱۴- استفاده از زبان فارسی در مذاکرات دیپلماتیک؛

۱۵- ضرورت آموزش زبان فارسی به فرزندان دیپلمات‌های ایرانی خارج از کشور؛

۱۶- پافشاری مسئولان رسمی کشور به فارسی سخن گفتن و نوشتن.

کتابنامه

آشوری، داریوش. (۱۳۹۲). زبان باز: پژوهشی درباره‌ی زبان و مدرنیّت. چاپ ۲. تهران: مرکز.

آیین‌نامه اجرایی قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه (۱۳۷۸). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۱). تاریخ مختصر زبان فارسی. چاپ ۳. تهران: کتابخانه طهوری.

اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۶۸). تا (۱۳۸۳). فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۹۱/۱۱/۳).

اساسنامه بنیاد سعدی (۱۳۸۹). بنیاد سعدی. (تاریخ دسترسی: ۹۵/۱۰/۱۵).

اشتریان، کیومرث. (۱۳۷۶). علوم سیاست‌گذاری و دستاوردهای آن برای ایران. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران). شماره ۳۷ (تابستان). صص ۱۵۹-۱۷۰.

حبیبی، حسن. (۱۳۸۷). سرگذشت واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تا کنون. نامه فرهنگستان. شماره

خانلری، پرویز. (۱۳۹۱). تاریخ زبان فارسی. چاپ ۹ (اولین چاپ یک جلدی). تهران: فرهنگ نشر نو.

داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۴). صاحب‌نظران ایرانی و زبان فارسی. نامه پارسی. سال ۱۰. شماره ۳ (پاییز). صص ۳-۲۷.

دربندی، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۳). گسترش زبان فارسی یکی از محورهای دیپلماسی فرهنگی است (گفت‌وگوی اختصاصی با سیدمحمدرضا دربندی). (۹۳/۸/۲۱).

دستور خط فارسی: مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۹۴). چاپ ۱۳. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار).

سمیعی (گیلانی)، احمد. (۱۳۸۹). افت آموزش مهارت نگارشی در مدارک. نامه فرهنگستان. سال ۱۱. شماره ۴۴ (زمستان). صص ۲-۷.

_____ (۱۳۹۱). نگارش و ویرایش. چاپ ۱۲. تهران: سمت.

صادقی، کمال. (۱۳۹۵). وضعیت گسترش زبان فارسی در جهان. خبرگزاری مهر. (۱۳۹۵/۴/۲۸).

اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۶۸). تا (۱۳۸۳). فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۹۱/۱۱/۳).

قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه (۱۳۷۵). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵/۱۰/۱۷).

ملکی، عباس. (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری انرژی. چاپ ۱. تهران: نشر نی.

: : (۲۰۰۴).

: . (۲۰۰۹).

۲. درباره‌ی خواسته‌های زبانی جوامع در برخورد با جهان مدرن رک: آشوری، داریوش. (۱۳۹۲). زبان باز: پژوهشی درباره‌ی زبان و مدرنیّت. چاپ ۲. تهران: مرکز.

[۲]. : : (۲۰۰۴). : .

۳. از جمله، رک: املا، نشانه‌گذاری، ویرایش نوشته‌ی خسرو فرشیدورد؛ شیوه‌ی املا‌ی فارسی مرکز نشر دانشگاهی؛ فرهنگ املا‌ی و دست‌ورخط و املا‌ی فارسی: بر پایه‌ی مصوّبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی نوشته‌ی جعفر شاعر.

۴. رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی یکی از قدیم‌ترین رشته‌های دانشگاهی ایران است. این رشته تا سال‌ها در دانشگاه‌ها به صورت محض ارائه می‌شد. چند سال قبل، کمیته‌ای در وزارت علوم شکل گرفت که نتیجه‌ی جلسات و مصوبات آن ایجاد گرایش‌هایی در رشته‌ی ادبیات فارسی بود. در اینجا به نقدها و انتقادهایی که پس از راه‌اندازی گرایش‌ها طرح شد، نمی‌پردازیم. اما اگر قرار باشد، رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی شاخه‌ها و گرایش‌هایی داشته باشد یا کرسی‌های تخصصی برای آن تعریف شود، شایسته است یکی از آن‌ها به نگارش و ویرایش اختصاص یابد.

۵. مؤسسه‌ی گوته هم به این شیوه عمل می‌کند.

۶. معادل در انگلیسی است. دوره‌ی فرعی شامل تعداد مشخص و محدودی از واحدهای اصلی و مهم یک رشته‌ی تحصیلی است. در بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ جهان دایر است و دانشجویان، با داشتن شرایطی، می‌توانند در این دوره ثبت‌نام

کنند و در کنار رشته تحصیلی خود، واحدهای درسی رشته دیگری را به صورت فشرده مطالعه کنند. در سال‌های اخیر، دوره فرعی در شمار اندکی از دانشگاه‌های ایران از جمله دانشگاه صنعتی شریف- برگزار می‌شود.